

نوشتار حاضر می‌کوشد تا به گونه‌ای فشرده، به بحث در این باره بپردازد که: آیا خلق اثر تخیلی دینی مجاز است؟ اگر آری، نسبت آن با واقعیت دینی چیست و چه ملاحظاتی در خلق اثر تخیلی دینی در نظر باید گرفت تا مشکلی از نظر هنری، ادبی، دینی یا مخاطب‌شناسی پدید نیاید؟

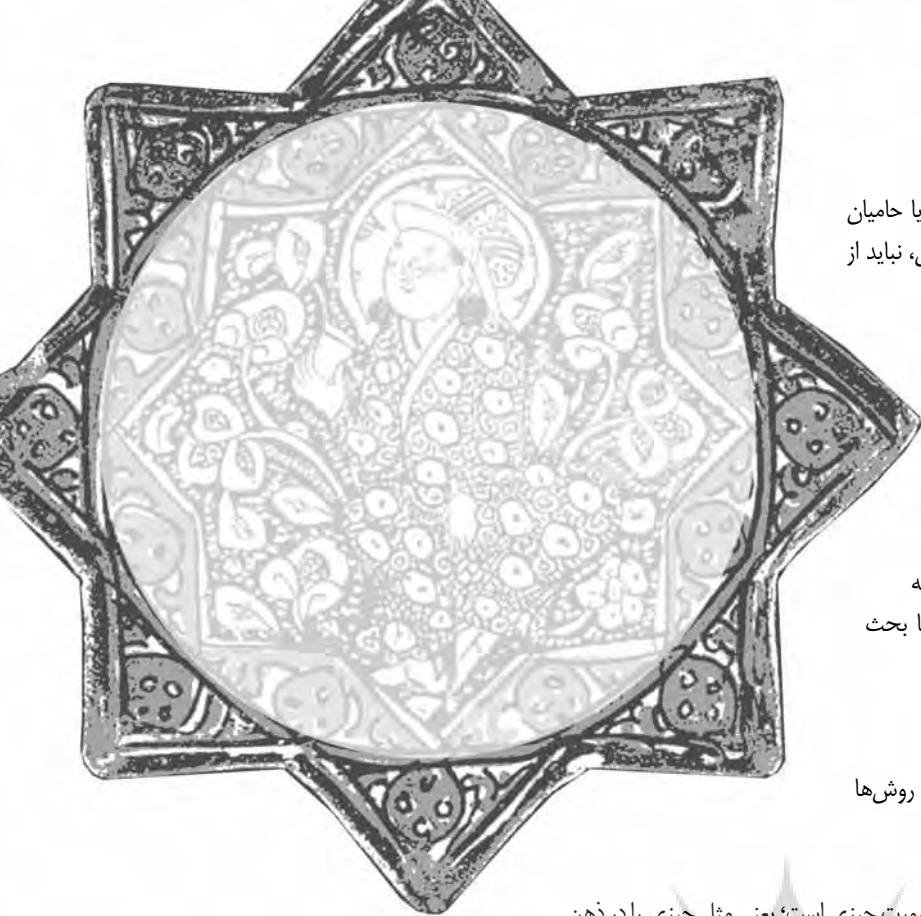
امروزه نگارش این قبیل مقالات، به دلایلی چند در شرایط حاضر کشور ما، به‌ویژه در زمینه نگارش یا تصویرگری دینی برای کودکان و نوجوانان ضرورت می‌یابد:

۱. مراکزی برای پژوهش دینی در ادبیات و هنر کودک و نوجوان وجود ندارد تا پشتوانه‌هایی نظری به لحاظ محتوا، قالب، پیام و مخاطب‌شناسی دینی، در اختیار پدیدآورندگان آثار برای کودکان و نوجوانان بگذارند.
۲. اغلب پدیدآورندگان آثاری برای مخاطب غیر بزرگسال، فاقد پژوهش‌های قوی، اطلاعات درست، روحیه پرسش و جست‌وجو و پشتوانه نظری عمیق در نگارش یا تصویرگری دینی خویش‌اند.
۳. این پندار در میان برخی پدیدآورندگان اثر برای کودک و نوجوان وجود دارد که نگارش یا تصویرگری برای کودک و نوجوان، به اطلاعات نظری پیشینی نیاز ندارد و حتی از قید آگاهی‌های مربوط با روان‌شناسی کودک و نوجوان یا اصولاً مخاطب‌شناسانه آزاد است؛ از آن‌رو که هنر و ادبیات، در رهایی شکوفایی می‌یابند.
۴. این تصور در میان برخی دینی‌نویسان یا تصویرگران دینی هست که خلق اثر تخیلی دینی، کاری آسان‌تر از اثر مستند است؛ زیرا نیازی به پشتوانه مستند دینی ندارد و بدون هیچ ضابطه یا ملاحظه‌ی مرتبط با واقعیت دینی، می‌تواند پدید آید. بنابراین، راهی برای دینی‌نوشتن یا تصویرگری دینی، بدون نیاز به پژوهش‌ها و آگاهی‌های علمی و دینی است.
۵. برخی نیز در روایی کار تخیلی دینی و به عبارت دیگر مشروعیت دینی آن، تردید می‌ورزند یا چنین می‌پندارند که دین، دست پدیدآورندگان را چندان برای کار تخیلی باز نگذاشته است.
۶. این سوءتفاهم برای برخی اثرآفرینان دینی پدید آمده است که مدافعان و مبلغان استناد و واقعیت در خلق اثر دینی، بالضروره مخالف خلق اثر تخیلی دینی خواهند بود.
۷. برخی پدیدآورندگان اثر دینی، بی‌آن‌که شناخت یا علاقه‌چندانی نسبت به دین داشته یا به تجربه‌هایی دینی دست یافته باشند، تنها به سبب پذیرش کاری از سفارش‌دهنده، دست به خلق اثری به اصطلاح دینی می‌زنند. در نتیجه برای دفاع از اثر خویش، با مشکلاتی گوناگون روبه‌رو می‌شوند.
۸. برخی آثار تخیلی با عناصر، شخصیت‌ها، روابط یا نظم موجود در واقعیت‌های دینی پدید می‌آیند، اما چون به نقد و بررسی

# گستره تخیل در آفرینش دینی برای کودک و نوجوان

سیدعلی محمد رفیعی





دینی کشیده می‌شوند، این ادعا از سوی پدیدآورندگان یا حامیان آن‌ها مطرح می‌شود که این آثار، دینی نیستند و بنابراین، نباید از منظر دین مورد نقد و بررسی قرار گیرند. این نوشته، با توجه به اساسی‌ترین و رایج‌ترین ملاحظات، مشکلات و پندارها در آفرینش آثار تخیلی دینی پدید آمده است.

## ۱. معنی تخیل

واژه «تخیل» عربی است؛ معادل فارسی آن «پندار» و در انگلیسی «Imagination» است. از میان معانی گوناگون که فرهنگ OXFORD برای این واژه آورده، سه معنی، مرتبط با بحث ماست:

- ۱- الف: قدرت آفرینش تصورات یا تصویرهای ذهنی.
- ۱- ب: چیزی که در ذهن وجود دارد، اما در واقعیت نیست.
- ۱- ج: قدرت آفرینشگر بودن و اندیشیدن درباره ایده‌ها، روش‌ها و... های جالب.

در فلسفه به چنین تحلیلی برای تخیل برمی‌خوریم:

- ۱-۱. **تخیل تمثیلی:** تخیل تمثیلی به معنی در ذهن آوردن صورت چیزی است؛ یعنی مثل چیزی را در ذهن تخیل کردن. وقتی گفته می‌شود: "من چیزی را تخیل کردم"، یعنی آن را در خیال آوردم. بنابراین، تخیل، نیروی تصویر یا تمثیل اشیا در ذهن است به نحوی که صورت اشیا غایب از نظر را به انسان می‌نمایاند و انسان آن را در خیال خود حاضر می‌یابد. در بهترین عبارت: تخیل، ترکیب صورت‌های ذهنی حاصل از پدیده‌هاست؛ اگرچه ممکن است برخی از این صورت‌های ذهنی، گویای شیء موجود حقیقی نباشند. (یعنی گرچه خاستگاه آنها واقعیت است اما در فرایند پردازش‌های ذهنی، محصول کار به صورتی در آمده باشد که مابه‌ازای خارجی نداشته باشد. یا ممکن است پردازشی در ذهن صورت نگرفته باشد اما شیء منشأ تخیل، دیگر وجود نداشته باشد).
- ۲-۱. **تخیل ابداعی:** تخیل به این معنی، ابداع و اختراع کردن است؛ نیرویی است که در صورت‌های ذهنی تصرف و آن‌ها را ترکیب، تحلیل و کم و زیاد می‌کند. فارابی می‌گوید که این نیروی تخیل: "حاکم و فرمانده محسوسات است. بعضی محسوسات را از هم جدا و بعضی دیگر را به انواع مختلف ترکیب می‌کند. در این تغییرات، ممکن است بعضی محسوسات موافق یکدیگر و برخی مخالف یکدیگر باشند." نمونه چنین تخیلی، تخیل نقاشی است که صورت خیالی را که در اعماق ذهن خود می‌بیند، بر پرده تصویر می‌کند یا تخیل نویسنده‌ای است که زندگی قهرمان داستانی را چنان که خود می‌خواهد، ترسیم می‌کند و یا تخیل دانشمندی است که نظریه تازه‌ای را ابداع می‌کند. این قبیل تخیلات را اختراع، ابتکار، خلاقیت و نوآوری گویند.
- ۳-۱. **تخیل وهمی:** تخیل به این معنی، در ذهن آوردن چیزی است که بیوندی با عالم خارج ندارد و آمیزه‌ای است از تصویرهای برگرفته از تخیلات، توهمات و خواب و خیال‌های دیگر. (برگرفته از «فرهنگ فلسفی»، نوشته دکتر جمیل صلیبا، ترجمه منوچهر صانعی دره‌بیدی، از انتشارات حکمت، ذیل ماده «تخیل»)

بر این اساس، موجود تخیلی یکی از پنج حالت را نسبت به موجود جهان واقع می‌تواند داشته باشد:

۱. تصور چیزی یا مفهومی که موجود است یا موجود بوده است یا موجود خواهد شد.
۲. تصور چیزی یا مفهومی که موجود بوده است، اما دیگر نیست.
۳. تصور چیزی یا مفهومی که موجود بوده است، اما دیگر نمی‌تواند موجود شود.
۴. تصور چیزی یا مفهومی که موجود نبوده و نیست، اما می‌توانست یا می‌تواند موجود شود.
۵. تصور چیزی یا مفهومی که موجود نبوده و نیست و نمی‌توانست و نمی‌تواند موجود باشد.

برای دریافت رابطه تخیل و موجود تخیلی با دین و موجود دینی، باید نگاهی به تعریف خود از دین و گستره آن داشته باشیم.

## ۲. تعریف دین

مقصود ما از «دین» در این مقاله، «دین کامل الهی» است که از بخش‌های زیر تشکیل می‌یابد:

- ۱-۱. روح دین: شامل فلسفه دین و آموزه‌های آن؛ عرفان و معنویت؛ پیام؛ هدف نهایی و مفاهیم کلی دین که ناظر به همه آموزه‌های دینی در راه رساندن انسان به خوشبختی جاودانه است.
  - ۲-۱. «هست»های دین: شامل آگاهی‌هایی درباره حقایق و واقعیات همیشگی جهان هستی و قوانین حاکم بر آن (مشترک با کلیه علوم عقلی، علوم نقلی، علوم پایه، علوم انسانی و همه دانش‌ها و معارف حقی که حقیقتی از جهان را بازمی‌نمایانند).
  - ۳-۱. «بود»های دین: شامل اطلاعاتی درباره گذشته جهان هستی، انسان و موجودات (منشأ آفرینش، چگونگی آفرینش، سرگذشت جهان، تاریخ زندگی انسان و...).
  - ۴-۱. «خواهدبود»های دین: شامل آگاهی‌هایی درباره آینده انسان، آینده جهان هستی، زندگی پس از مرگ و جهان‌های دیگری که پدید خواهند آمد.
  - ۵-۱. «بایدها»ی دین: شامل همه دستورهایی که باید به وسیله انسان به اجرا درآید تا در زندگی کم‌تر رنج برد و بیش‌تر احساس خوشبختی کند (دعاها و نیایش‌ها، دستورهای اخلاقی و احکام فقهی و حقوقی در گستره وسیع فردی، خانوادگی، اجتماعی و سیاسی آن).
  - ۶-۱. منشأ دین: شامل القا، الهام یا وحی که از مرکزیتی در غیب جهان هستی، به صورت گونه‌ای ارتباط با انسان تجلی می‌یابد و منشأ همه تغییرات و تحولات، آموزه‌ها، باورها، بینش‌ها، کنش‌ها و واکنش‌های دینی و به طور خلاصه منشأ ایجاد پدیده‌ای به نام «دین» است.
- از دیدگاهی کارکردگرایانه، «هست»ها، «بود»ها و «خواهد بود»ها، باور و بینش انسان را شکل می‌دهند؛ «بایدها»ها کنش‌ها و واکنش‌های او را بر اساس باور و بینش او سامان می‌بخشند و «روح دین» پیامد باورها، بینش‌ها، کنش‌ها و واکنش‌ها در جسم و جان انسان است.
- این دین کامل الهی، در جهان حاضر دارای دو نمونه بیش‌تر نیست: یهودیت و اسلام.

## ۳. نمودهای عینی دین

دین کامل الهی دارای چند مظهر یا نمود در جهان خارج از ذهن و تصور است:

- ۱-۳. انسان‌های دینی: شامل پیامبران و جانشینان الهی آنان (رهبران دینی) و گروندگان یا مدعیان گروه به دین (پیروان و مؤمنان).
- ۲-۳. متن‌های دینی: آموزه‌های اصیل دینی شامل کتاب مقدس و نقل سخنان، کنش‌ها و واکنش‌های پیامبران و جانشینان الهی آنان.
- ۳-۳. تفسیرهای دینی: شامل تأملات، برداشت‌ها، تفسیرها، نگرش‌ها یا قرائت‌های انسان‌های دینی بر اساس متن‌های دینی (متن‌های دست دوم تا چندم دینی و گفته‌ها و نوشته‌های مؤمنان درباره دین).
- ۴-۳. رفتارهای دینی: شامل کنش‌ها و واکنش‌های انسان‌های دینی بر اساس تفسیرهای خود از متن دینی (عبادات، دعاها و نیایش‌ها، آیین‌ها و مناسک و کنش‌ها و واکنش‌های دینمداران بر اساس بایدهای دینی).
- ۵-۳. نهادهای دینی: شامل تشکلهایی که انسان‌های دینی برای هدف‌های دینی خود تأسیس می‌کنند یا تشکلهایی که به‌طور طبیعی در میان آنان پدید می‌آید (جلسات دینی، خیریه‌های دینی، هیأت‌های دینی، جوامع دینی، حکومت‌های دینی و...).
- ۶-۳. مکان‌های دینی: شامل جایگاه‌هایی برای آموزش‌ها یا مناسک، عبادات یا آیین‌های دینی (مساجد، کلیساها، کنیسه‌ها، مدارس دینی، مکان‌های مقدس و زیارت‌گاه‌ها).
- ۷-۳. پیرویه‌ها: شامل متن‌ها، تفسیرها، رفتارها، نهادها و مکان‌هایی که به نام دین پدید می‌آیند، اما ریشه‌ای در آموزه‌های اصیل دینی ندارند.
- ۸-۳. جریان دین: شامل پدیده‌هایی از وحی و الهام و القا از منبع غیب و تأثیرپذیری از موارد پیش‌گرفته تا احساس‌ها، روایاها و تحولاتی در درون انسان‌های دینی که نمودهای پیشین را پدید می‌آورند و سامان می‌دهند.
- ۹-۳. جریان دین‌ستیزی: مجموعه پدیده‌ها، کنش‌ها و واکنش‌ها علیه دین.

## ۴. تخیل: از متن تا اندیشه

این پندار در میان برخی  
پدیدآورندگان اثر برای کودک و نوجوان  
وجود دارد که نگارش یا تصویرگری  
برای کودک و نوجوان، به اطلاعات نظری  
پیشینی نیاز ندارد و حتی  
از قید آگاهی‌های مربوط با  
روان‌شناسی کودک و نوجوان یا  
اصولاً مخاطب‌شناسانه آزاد است؛  
از آن رو که هنر و ادبیات،  
در رهایی شکوفایی می‌یابند

تخیل دینی بر پایه اندیشه دینی بنا می‌شود. اندیشه دینی نیز بر دانش دینی، یعنی متن‌ها و آموزه‌های اصیل دینی استوار است. اگر این شرط را برای تخیل دینی در نظر نگیریم، دلیلی بر دینی بودن تخیل نیست؛ چنان که صفت «دینی» برای یک اندیشه، بدون استواری آن بر پایه متن‌ها و آموزه‌های اصیل دینی بی‌معنی است.

اندیشه دینی، در جهت خدمت به تخیل دینی یا تخیل آفرینی دینی، در چند عرصه فعالیت می‌کند:

۴-۱. **مشروعیت:** اندیشه حکم می‌دهد و استنباط

می‌کند که: آیا دین جایگاه یا مشروعیتی برای تخیل گذاشته

است؟ آیا چیزی به نام تخیل دینی وجود دارد؟ آیا آفرینش تخیلی بر اساس آموزه‌های اصیل از دین قرار دارد؟

۴-۲. **سندیت:** اندیشه تعیین می‌کند که از میان آن چه به دین منسوب

است، کدام یک، از آموزه‌های اصیل دینی است و کدام یک، از پیرایه‌هاست، تا تخیل، بر آن چه دینی پنداشته می‌شود، اما دینی نیست، بنا نشود.

۴-۳. **علمیت:** اندیشه، به کمک دانش‌های دیگر، اطلاعات تکمیلی و

تحلیل‌های مستدل را برای افزایش‌های تخیلی در آثار مستند یا نیمه تخیلی، در اختیار پدیدآورنده می‌گذارد.

۴-۴. **انتزاع:** اندیشه بر اساس مستندات به دست آمده از دانش دینی و به یاری دانش‌های دیگر و نیز

تحلیل‌های مستدل، روح دین (با تعریف ۲-۱) و تجلیات یا نمودهای دینی را انتزاع و شناسایی می‌کند تا در همه آفرینش‌های دینی و در آفرینش‌هایی بر اساس روح دین، معیار و میزان خلق و نقد اثر قرار گیرد.

۴-۵. **سنجش:** اندیشه، اصول و ضوابطی علمی، فنی، هنری و دینی را برای هر گونه از آفرینش تخیلی یا نیمه تخیلی یا

نقد و ارزیابی آن در اختیار پدیدآورنده یا منتقد قرار می‌دهد.

## ۵. مشروعیت تخیل دینی

برای آفرینش تخیلی دینی، بسته به نوع آفرینش و نوع تخیل، می‌توان مستندات، جوازاها و حتی توصیه‌هایی در متون اصیل دینی یافت. اصول این جوازاها، مستندات و توصیه‌ها را می‌توان در چند موضوع زیر خلاصه کرد:

۵-۱. **حق جویی و واقع‌گرایی:** تخیلات تمثیلی و ابداعی (بندهای ۱-۱ و ۱-۲) و هر گونه تخیل مبتنی بر اندیشه دینی که بر پایه مستندات، حقایق و واقعیات پدید می‌آیند، از آن رو که کوششی برای تصور و سامان‌دهی تصویر حقیقت و واقعیت در ذهن‌اند، دارای ارزش دینی به شمار می‌آیند. این ارزش، از ارزش شناخت بیشتر و بهتر حقیقت و واقعیت، و آن نیز از ارزش حقیقت و واقعیت مایه می‌گیرد که خود، ارزشی دینی نیز هستند.

۵-۲. **منطق‌گرایی و ترمیم واقعیت:** اضافات پژوهشی و اندیشه‌ورزانه، بر اساس منطق رخدادها و سیر طبیعی ماجراها که به منظور ترمیم نواقص اطلاعات مستند صورت می‌پذیرند، از آن جا که به روشی علمی و عقلانی در جهت حق‌جویی و واقع‌گرایی (بند ۵-۱) پدید می‌آیند، ارزشمندند. هر گونه تخیل در جهت تجسم درست آن‌ها و بازسازی رخدادها و ماجراها نیز ارزش خود را از عقلانیت و حق‌جویی و واقع‌گرایی آن می‌گیرند.

۵-۳. **تدبر و تأمل:** تدبر و تأمل در آموزه‌های دینی و فراتر رفتن از متن به سوی عبرت‌ها، نتیجه‌ها، حکمت‌ها، علت‌ها، پیام‌ها و هدف‌ها از توصیه‌های مکرری است که در آموزه‌های اصیل دینی، به پیروان دین کامل شده است.

۵-۴. **رفتن از ظاهر به باطن:** آموزه‌ها و متون دینی، افزون بر ظاهر، حاوی باطن و باطن‌هایی متعددند و هر یک از باطن‌ها برای خود دنیایی بسیار از مصداق‌ها دارند. منحصر نشدن در ظاهر و فرارفتن به سوی باطن‌ها، از توصیه‌های ادیان الهی‌اند.

۵-۵. **رفتن از مصداق به مفهوم:** بسیاری از مصداق‌های ذکر شده در آموزه‌های اصیل دینی، یکی و تنها یکی از مصداق‌های مفهومی فراگیرند. بالا رفتن از پلکان یک مصداق به سوی مفهوم فراگیر، نمونه‌ای از تدبر و تأملی است که بر آن تأکید می‌شود.

۵-۶. **رفتن از مفهوم به مصداق:** مفاهیم گاه می‌توانند دارای مصداق‌هایی چند و گاه مصداق‌هایی بی‌شمار باشند. یافتن این مصداق‌ها و پرداختن خلاقانه به آن‌ها به مدد نیروی تخیل، نمونه‌ای دیگر از تدبر و تأمل ممدوح است.

۷-۵. رفتن از مورد به تطبیق: ذکر یک مورد در آموزه‌های اصیل دینی، اغلب به معنی انحصار حکم یا مفهوم به یک مصداق نیست، بلکه مشابه و مطابق یک مورد را می‌توان به مدد اندیشه و تخیل یافت. این نیز نمونه‌ای دیگر از تأمل و تدبر مورد توصیه دینی الهی است و آموزه‌های ماندگار دینی را به فراتر از زمان و مکان مصداق‌های اندک زمان پیدایش خود می‌برد.

۸-۵. رفتن از نماد به مدلول: بسیاری از حقایق دینی، علاوه بر این که خود، حقیقت دارند، نماد و بازنمای حقیقتی فراترند و بر مفاهیمی عمیق‌تر دلالت دارند. نماندن تنها در سطح فروتر حقیقت و خود را به مدد تخیل اندیشه‌بنیاد، تا سطوح بالاتر امتداد دادن، از مصداق‌های تأمل، تدبر و رشد دینی است.

۹-۵. رفتن از خبر به تأویل: دستیابی به تأویل، به معنی «مصداق» و «وقوع» برای یک رخداد که وعده آن داده شده یا پیش‌آگهی آن در متن اصیل دینی آمده، یکی از مصداق‌های کوشش، اندیشه، رشد، دانش‌افزایی و به‌کارگیری نیروی تخیل دینی است.

۱۰-۵. رفتن از اجمال به تفصیل: تفصیل آن‌چه مجمل است، به ویژه اجمالی که به تناسب مخاطب، نیازمند درجانی از تفصیل است، یکی از راه‌های تعمیم دانش و بینش و افزایش هدایت دینی است و کاری ستودنی به شمار می‌آید؛ از آن رو که «هدایت» امری ستودنی در آموزه‌های اصیل دینی است.

۱۱-۵. همگامی با دین: رفتن در جهت دین و بهره‌گیری از تجربیات و آموزه‌های دینی، برای معاصرسازی و تعمیم‌دهی حقایق و واقعیت‌های دینی، گامی در جهت روزآمدسازی و زنده‌نگهداری دین و پیام آن برای عصرها و نسل‌هاست و طبعاً کاری ستودنی و ارزشمند به شمار می‌آید.

۱۲-۵. هم‌هدفی با دین: نزدیک‌سازی مردم به آن‌چه دین می‌خواهد آن‌ها را به آن نزدیک کند، اگر بر اساس پژوهشی اندیشمندانه و تخیلی مبتنی بر اندیشه دینی صورت پذیرد، بی‌تردید مورد تأیید دین است.

۱۳-۵. معنویت‌افزایی و اخلاق‌گرایی: گسترش اخلاق و روح معنویت در میان مخاطبان، از آن‌رو که نزدیک‌سازی آنان به روح دین است، گامی در جهت نزدیک‌سازی آن‌ها به دین به شمار می‌آید.

۱۴-۵. روشنگری و دانش‌افزایی: دین مدعی آن است که روشنگر و دانش‌افزاست و هر کس روشن‌تر و داناتر باشد، دینی‌تر است. اندیشه و خرد، آن‌گاه مفهومی مقدس در آموزه‌های دینی می‌یابند که به روشنی، دانایی و دستیابی به روح دین (با تعریفی که در بند ۲-۱ برشمردیم) بینجامد. هر گونه تلاش با ابزاری واقعی یا تخیلی که نام روشنگری و دانش‌افزایی بر آن بتوان نهاد، از ستودنی‌ترین فعالیت‌های مورد توصیه دین است.

## ۶. گستره حضور تخیل در آفرینش دینی

در خلق آثار نگارشی یا تصویری دینی، گستره‌ها و زمینه‌های متعددی برای تخیل می‌توان یافت که بسته به نوع تخیل و نوع اثر، می‌تواند از حجم اندک یا بسیار تخیل به نسبت استناد به واقعیت دینی بهره‌گیرد. آن‌چه خواهد آمد، ساختارها و شکل‌های انواع آفرینش تخیلی دینی و بایسته‌های آن‌ها را به ترتیب، از حجم اندک تا بسیار حضور تخیلی، به نسبت حضور واقعیت دینی در محتوای آن، بررسی می‌کند. شایان ذکر است که در این متن هر جا واژه‌های واقعیت یا واقعی آمده، مقصود، واقعیت دینی است:

۱-۶. تخیل واقعیت: پدیدآورنده اثر ادبی، هنری یا آموزشی، تنها نقل‌کننده خشک و بی‌روح متنی از دین به متنی برای مخاطب نیست؛ کاری که با دو دستور cut و paste یا copy و paste در رایانه صورت می‌پذیرد و در اصطلاح نسل قبلی، به «روش چسب و قیچی» موسوم بود. بنابراین، حتی در مستندترین گونه‌های نگارش یا تصویرگری، پدیدآورنده، نخست باید واقعیت را در ذهن خود تصور کند و به اصطلاح اهل فلسفه، «وجود ذهنی» به آن ببخشد. این همان چیزی است که به عنوان یکی از گونه‌های تخیل تمثیلی (صورت شیء موجود حقیقی) (بند ۱-۱) مطرح است. آن‌گاه این صورت ذهنی یا تخیل شیء موجود حقیقی یا واقعی، از سوی پدیدآورنده به صورت محصولی دیداری، شنیداری یا نوشتاری یا به عرصه وجودی تازه می‌گذارد. بنابراین، حتی در خلق مستندترین آثار نیز پدیدآورنده، بی‌نیاز از تصور واقعیت نیست. در این‌جا، در واقع، «تخیل» نام دیگر «تصور» است. آن‌چه در بندهای ۴-۲ و ۴-۵ گفته شد، مبنای اندیشگی، علمی و دینی این کار است.

۲-۶. تخیل واقعیت و نظم منطقی: آن‌جا که برای خلق یک اثر، موضوع چپینش منطقی و واقعیات در کنار یا به دنبال یکدیگر پیش می‌آید، انتخاب نوع چپینش یا نحوه توالی واقعیات، بر عهده پدیدآورنده است. این انتخاب، در پی فرآیندی پیش می‌آید که در ذهن پدیدآورنده بر اثر دانش، اندیشه و نیز آگاهی او از منطق نظم، نظم منطقی و ارتباط منطقی واقعیات موضوع اثر رخ می‌دهد. تصور این نظم، به بهره‌گیری از نیروی تخیلی نیاز دارد که پدیدآورنده باید از آن برخوردار باشد تا اثر را به صورتی نظم‌یافته، وجود ببخشد.

این تصور در میان برخی دینی‌نویسان

یا تصویرگران دینی هست که

خلق اثر تخیلی دینی، کاری آسان‌تر از

اثر مستند است؛ زیرا نیازی به

پشتوانه مستند دینی ندارد و بدون

هیچ ضابطه یا ملاحظه مرتبط با واقعیت دینی،

می‌تواند پدید آید. بنابراین، راهی برای

دینی نوشتن یا تصویرگری دینی،

بدون نیاز به پژوهش‌ها و

آگاهی‌های علمی و دینی

است

نظم منطقی استوار است بر: توالی زمان، ارتباط‌های مکانی

و روابط علت و معلولی اشیاء، پدیده‌ها و رخدادها. این نظم‌دهی،

در فنون نگارش، ویرایش یا هنرهای دیداری، در واقع،

بخش یا مرحله منطقی تنظیم اثر، تدوین اثر یا

ویرایش ساختاری اثر به شمار می‌آید.

۳-۶. تخیل واقعیت و نظم تخیلی: اختلاف

این مورد با مورد بالا در این است که نوع

چینش یا توالی واقعیات، نه بر اساس نظم

منطقی، بلکه بر پایه ذوق، سلیقه، ابداع، ابتکار،

خلاقیت یا نوآوری پدیدآورنده صورت می‌گیرد که

این‌ها نیز بر پایه ترکیب تخیلات تمثیلی دیگر اشیای موجود

حقیقی یا غیر حقیقی، یا تخیل ابداعی یا تخیل وهمی (بند ۱) یا

گاه تقلید از نظم تخیلی دیگران بنا شده‌اند. این گونه تدوین‌ها،

ویرایش‌های ساختاری یا تنظیم‌های مبتکرانه، می‌توانند روح

تازه‌ای به واقعیات مستند دینی و غیردینی در چینش‌هایی

جدید ببخشند و بستر انتقال پیام‌هایی افزون بر متن یا افزایش

قدرت تصور و تخیل خواننده یا ایجاد جذابیت، کشش یا تعلیق در اثر

شوند. تنها نقطه ممنوعیت دینی در این قبیل تنظیم‌های تخیلی، در آن جاست که نحوه گزینش و

چینش واقعیات دینی، پیامی مغایر با مسلمات علمی یا معرفتی یا دیگر واقعیات دینی یا روح دین را به

مخاطب القا کند یا مخاطب چنین پندارد که این نظم، نظم واقعی است.

۴-۶. تخیل واقعیت، نظم منطقی و افزوده‌های منطقی: این مورد دارای همان توضیحاتی است که در بندهای ۱-۶ و

۲-۶ آمد، به علاوه پُر کردن نقاط و فضاهای خالی میان اطلاعات مستند. این پُر کردن‌ها و افزودن‌ها، بر پایه

دیگر اطلاعات دینی و اطلاعاتی علمی و معرفتی (از علوم تجربی و انسانی و اجتماعی گرفته تا سیاست و هنر و

باستان‌شناسی و دیرین‌شناسی و محیط زیست) پدید می‌آیند و بر اساس نیاز منطق داستان یا موضوع و تحلیل‌های

گونگون گزینش می‌شوند و می‌توانند توالی درست و نظم پیوسته یا پیوستگی نظم منطقی اثر را سامان ببخشند و در

مجموع، اطلاعاتی مفصل و کامل در اختیار مخاطب بگذارند. یافتن این نقاط و فضاهای خالی، تشخیص نیاز به هر

بخش از آگاهی‌های دینی یا علمی و معرفتی مرتبط، رسیدن به تحلیل‌های درست و سامان‌دهی مطلوب اثر و تنظیم

درست آن، مستلزم تصورات و تخیلاتی از نوع تخیل تمثیلی و تخیل ابداعی است.

۵-۶. تخیل واقعیت، نظم منطقی و افزوده‌های تخیلی: تفاوت این حالت با حالت پیشین، آن است که نقاط و فضاهای

خالی، با افزوده‌های تخیلی پُر می‌شوند. جاذبه‌های این روش نیز کم نیستند و به کارگیری این روش اشکالی ندارد،

اما پدیدآورنده باید این مشکل را در پدیدآوری اثرش حل کند که چه باید کرد تا مخاطب، مرز واقعیت و تخیل را

درنمی‌آمیزد و در نتیجه، واقعی را خیالی یا خیالی را واقعی نپندارد. بسیاری از آثار دینی که با این روش پدید می‌آیند، با

این مشکل روبه‌رو هستند و مایه سوءتفاهم میان پدیدآورنده و مخاطب- به ویژه مخاطب غیر بزرگسال- شده‌اند.

مخاطب‌شناسی، گام اول در حل این دشواری، به ویژه در حوزه خلق اثر برای کودکان و نوجوانان است. طبیعی است

هر چه سن مخاطب بالاتر و دانش او نسبت به موضوع اثر بیشتر و فراگیرتر باشد، بیش‌تر و دقیق‌تر خواهد توانست

این مرز را تشخیص دهد. یک راه رفع یا دفع سوءتفاهم میان پدیدآورنده و مخاطب، قراری است که پدیدآورنده

از همان ابتدا می‌تواند با مخاطب بگذارد و از همان آغاز، به صورت صریح یا ضمنی، به مخاطب بفهماند که آن‌چه

می‌خواند، آمیزه‌ای از واقعیت و تخیل است و حتی کلیدی به او بدهد یا شیوه‌ای در جلوه‌های بصری یا شنیداری

یا نوشتاری پیش بگیرد که این مرز برای مخاطب کاملاً مشخص شود. همچون مورد ۳-۶ (تخیل واقعیت و نظم

تخیلی)، نقطه ممنوعیت دیگر در این شیوه، آن است که افزوده‌های تخیلی یا افزوده‌های تخیلی در کنار واقعیت و

نظم منطقی، پیامی مغایر با مسلمات علمی یا معرفتی یا دیگر واقعیات دینی یا روح دین به مخاطب القا کنند.

۶-۶. تخیل واقعیت، نظم تخیلی و افزوده‌های منطقی: در این حالت، مستندات یا عناصر واقعی، نظم تخیلی (مانند آن‌چه

در بند ۳-۶ آمد) می‌یابند و آن‌گاه برای پُر کردن فضاهای خالی یا مراعات قواعد این نظم جدید یا نهادن چفت و

بست‌هایی مناسب برای پیوند جدید میان اجزای این مجموعه جدید یا افزایش‌های مناسب دیگر، از قواعد منطقی

مرتبط با این نظم جدید استفاده می‌شود. ملاحظات مرتبط با بندهای پیشین، در این جا نیز صادق است.

۶-۷. **تخیل واقعیت، نظم تخیلی و افزوده‌های تخیلی:** تفاوت این حالت با حالت پیشین، آن است که حتی برای پُر کردن فضاهای خالی یا افزایش‌های مناسب، از عناصر و روابط تخیلی بهره گرفته می‌شود. ملاحظات مرتبط با بندهای پیشین، در این جا نیز صادق است.

۶-۸. **عناصر تخیلی، نظم واقعی (گرتبه‌برداری از واقعیت):** می‌توان حقیقت یا واقعیت دینی - اعم از داستان یا مفهوم یا حکم یا آموزه‌ای - را برگزید، روابط و نظم میان اشخاص، اشیا و عناصر آن را شناسایی کرد و با تغییر اشخاص، اشیا و عناصر و حفظ روابط و نظم میان آن‌ها و پیام مشابه، اثری نو - نه لزوماً با نشان دینی - آفرید. این کار بر اساس آن چه در بند ۵ گفته شد، گونه‌ای فراتر بردن آموزه‌های ماندگار دینی و بیرون آوردن آن‌ها از قفس زمان و مکان و مصداق و موردی در زمانی گذشته است. شناخت دقیق حقایق و واقعیت‌های دینی (بندهای ۴-۲ تا ۴-۵) از یک سو و شناخت دقیق حقایق و واقعیت‌هایی که قرار است در قالب جدید ارائه شوند و تناظر یک‌به‌یک (one-to-one correspondence)، همگونی، تشابه ساختاری و به‌اصطلاح، هم‌ریختی یا ایزومورفیسم (isomorphism) میان این دو، شرط اصلی خلق این گونه آثار تخیلی است.

۶-۹. **عناصر تخیلی، نظم نیمه تخیلی (برداشت آزاد از واقعیت):** این حالت، شبیه حالت پیشین (بند ۶-۸) است، با این تفاوت که لزومی به تناظر یک‌به‌یک و هم‌ریختی کامل میان شکل نخستین و شکل بازآفریده موضوع نیست، بلکه ساختار جدید می‌تواند تفاوت‌هایی با ساختار قبلی واقعی دینی داشته باشد، اما نه در حدی که نتوان ارتباطی ساختاری میان آن دو را در وهله نخست یا با اندک تأمل دریافت. طبیعی است که این تفاوت ساختاری در کنار اشیا، اشخاص، عناصر و روابط جدید، در مجموع نباید روح، پیام، هدف یا آموزه‌های مغایر دیگر واقعیات دینی، آموزه‌های دینی یا روح دین داشته باشد.

۶-۱۰. **الهام از پیام یا واقعیت دینی:** می‌توان با الهام از حقیقت، واقعیت، هدف، مفهوم، حکم یا پیامی دینی اثری - نه لزوماً با نشان دینی - آفرید که بتواند آن حقیقت، واقعیت، هدف، مفهوم یا پیام را به گونه‌ای به مخاطب منتقل سازد. فواید، آثار و اهمیت‌های این کار نیازی به گفتن ندارد. تنها شرط دینی، شناخت و تصور درست پدیدآورنده نسبت به آن حقیقت، واقعیت، هدف، مفهوم، حکم یا پیام دینی است و این که اثر در مجموع، مغایرتی با دیگر مفاهیم و آموزه‌های دینی نداشته باشد.

۶-۱۱. **خلق اثر بر اساس روح دین:** می‌توان با شناخت فلسفه دین و آموزه‌های آن، فلسفه احکام و بایدها و نبایدهای آن، عرفان و معنویت دینی، پیام دین، هدف غایی دین و مفاهیم کلی دین که در مجموع، روح دین‌اند، آثاری - نه لزوماً با نشان دینی - در راستای القای احساس، اندیشه و دانش عمیق دینی آفرید. این کار نیز دارای فواید و تأثیرهای بسیار خواهد بود. شرط درستی آن نیز افزون بر شناخت دقیق موضوع، عدم مغایرت با دیگر مفاهیم و آموزه‌های کلی و به ویژه مفاهیم و آموزه‌های جزئی دین است.

۶-۱۲. **اثر غیر دینی پدیدآورنده دینی:** "از کوزه همان برون تراود که در اوست." این مصراع، بیانگر همه آن چیزی است که درباره رابطه هنر و هنرمند، نوشته و نویسنده و به‌طور کلی اثر و پدیدآورنده آن مطرح می‌توان کرد. بر این اساس، پدیدآورنده غیردینی، هر چند متظاهرانه یا با صراحت بخوهد به خلق اثری دینی بپردازد، اثر، حکایت از غیردینی بودن پدیدآورنده خود خواهد داشت. به‌عکس، یک پدیدآورنده دینی هر چند بخوهد اثری غیردینی خلق کند، می‌توان به فراست یا با تأثیرپذیری دینی از اثر دریافت که نویسنده، فردی دینی است. این بیت را شاید بتوان دارای مصداقی در اینجا دانست: "پریرو تاب مستوری ندارد - چو در بندی سر از روزن بر آرد." بیجا نیست که یکی از مخالفان روشنگری و بیدارگری در اروپا گفته بود: شما ده سطر از نوشته یک نویسنده را به من بدهید تا من حکم اعدامش را از آن استخراج کنم.

بر این اساس، هر گونه اثر به‌ظاهر غیردینی پدیدآورندگان دینی را نیز در زمره آثار تخیلی دینی به شمار می‌توان آورد از آن رو که دست کم یکی از ویژگی‌های چهارده‌گانه بند ۵ (مشروعیت تخیل دینی) را در آن می‌توان یافت. میزان شناخت صحیح و عمیق پدیدآورنده نسبت به دین و عمق احساس مبتنی بر این شناخت (درستی یا نادرستی مضمون و محتوای اثر و میزان تأثیر آن بر مخاطب) معیار ارزشیابی این آثار است.

۶-۱۳. **معنویت‌گرایی غیر دینی:** برخی می‌پندارند که پرداختن به موضوع‌های معنوی نامرتبط با دین یا مرتبط با ادیان، مکاتب یا مذاهب غیر الهی، کاری غیر دینی یا حتی در جهت خلاف ادیان الهی است. توجه به نکته‌ای در این زمینه، می‌تواند میزان صحت و سقم این نظر را از دیدگاه اسلام تعیین کند:

از صراحت برخی آیات، مانند آیه ۱۵۷ سوره اعراف (۷)، برمی‌آید که آن چه نیک است، پیامبران به آن امر

**تخیل دینی بر پایه  
اندیشه دینی بنا می‌شود.  
اندیشه دینی نیز بر دانش دینی،  
یعنی متن‌ها و آموزه‌های اصیل دینی  
استوار است. اگر این شرط را برای تخیل  
دینی در نظر بگیریم، دلیلی بر  
دینی بودن تخیل نیست؛ چنان‌که  
صفت «دینی» برای یک اندیشه،  
بدون استواری آن بر پایه متن‌ها و  
آموزه‌های اصیل دینی  
بی‌معنی است**

می‌کنند و آنچه بد و ناشایست است، پیامبران از آن باز می‌دارند؛ آنچه را پاکیزه است، حلال می‌سازند و آنچه را ناپاک است، حرام اعلام می‌کنند؛ آنچه را بار گران است، از دوش مردم برمی‌دارند و آنچه را بند و زنجیر است، از دست و پای مردم می‌گسلند. به عبارت دیگر و به‌خلاف نظر اشاعره، چنین نیست که چیزی بی‌دلیل مورد امر یا نهی یا حلیت یا حرمت خدا و پیامبر قرار گیرد، بلکه این خوبی، بدی، پاکی یا ناپاکی چیزی یا کاری است که معیار امر یا نهی خداوند خواهد بود. از نگاه دیگر، اگر چیزی خوب و پاک و به عبارت دیگر فطری باشد، مورد تأیید و اگر بد و ناپاک و به عبارت دیگر مخالف فطرت باشد، مورد مخالفت خداست. از آیات بسیار دیگری دریافت می‌شود که خداوند، حق است، دوستدار حق است، گوینده حق است، مدعی حق است و هوادار حق و گسترنده حق است و به این دلیل است که دین الهی بر دیگر نظرهای مخالف آن برتری دارد. خداوند، خود و آیین خود را نه

تنها دارای دلیل و برهان، بلکه دارای دلیل و برهانی برتر و محکم‌تر از دیگر مدعیان داشتن دلیل و برهان می‌داند. از میان فلسفه احکام و آموزه‌ها در آیات و روایات و از توصیه به طلب علم، حتی از چین یا طلب حکمت، حتی از منافق و طلب حق، حتی از اهل باطل، چنین برمی‌آید که معیار پذیرش یا رد کار یا چیزی از سوی دین حق، به‌ویژه دین الهی، درستی یا نادرستی و پاکی یا ناپاکی آن است، نه این‌که لزوماً منسوب به دین الهی باشد یا نباشد.

بنابراین، در مواجهه با معنویت‌گرایی‌های غیر دینی باید توجه داشت که آیا آموزه‌های آنان درست است یا نیست. حتی می‌توانیم معنویت‌های دینی را معیار قرار دهیم و تطابق، تضمین یا هم‌سویی بسیاری میان معنویت دینی و روح و آموزه‌های اخلاقی و معنوی دین با آموزه‌های معنوی و اخلاقی ادیان، مذاهب یا مکاتب غیر الهی بباییم. در اکثر موارد نیز متوجه خواهیم شد که گاه مکتبی غیر الهی، بسط یا تفسیر تنها آیه‌ای از کتاب آسمانی یا آموزه‌ای از دین الهی است. آن‌گاه است که هم‌سویی تجربه‌های درست و حق‌جویانه بشری را با معارف دینی در خواهیم یافت. نیز در خواهیم یافت که بسیاری از - نه همه - معنویت‌های غیر دینی، بازمانده ادیان الهی می‌توانند باشند که به فراموشی، انقراض یا تحریف و انحراف کشیده شده‌اند.

بر پایه آنچه گفته شد، پرداختن به بخش‌های درست معنویت‌های غیردینی و حتی خلق آثاری که معنویت‌های راست و درست را به مخاطب القا کنند - حتی اگر نامی یا نشانی از دین در آن‌ها نباشد - نه تنها کاری غیردینی یا چنددینی به شمار نمی‌رود، بلکه می‌توان آن‌ها را در زیرمجموعه گونه‌های آثار تخیلی دینی گنجاند.

افزون بر این‌ها، پرداختن به این گونه معنویت‌ها و نبرد نام دین یا نیاوردن نشانی از دین در بسیاری از آثار معنوی به‌ظاهر غیردینی، اما در واقع دینی، گاه ضرورت می‌یابد و گاه این ضرورت، بیش از ضرورت پرداختن‌های با نام و نشان دینی است. این حالت زمانی رخ می‌دهد که مخاطبان ما یا گروه‌های هدفی که در نظر داریم، به هر دلیل، گونه‌های دلزدگی یا سوءنظر یا سوءتفاهم نسبت به دین یافته‌اند و پرداختن مشخص و نشاندار ما به دین، مایه آن خواهد شد که از مطالعه یا مشاهده اثر ما سر باز زنند. ما با کشاندن آن‌ها به حوزه‌ها، نگرش‌ها، دریافت‌ها و تجربه‌های معنوی درست که به واقع در راستای دین یا برگرفته از دین یا مورد تأیید دین‌اند، آن‌ها را ناخودآگاه به حوزه دین نزدیک خواهیم ساخت و در زیر پوشش شعاعی از نور دین قرار خواهیم داد.

درست بودن یا نبودن آموزه و محتوای این آثار معنوی غیردینی یا به‌ظاهر غیردینی، معیار سنجش میزان روایی یا ناروایی و درستی یا نادرستی هر یک از این آثار است.

۶-۱۴. ترکیبی از گونه‌های پیشین: لزومی برای این نیست که اثر تخیلی دینی، تنها یکی از گونه‌هایی را که برشمرده‌ایم، در بر بگیرد. می‌توان از ترکیب هنرمندانه و ادیبانه دو یا چند گونه از این گونه‌ها، اثری در حوزه آفرینش تخیلی دینی پدید آورد. معیار بررسی، نقد و معیارسنجی این آثار در جزء یا کل آن‌ها، همان است که درباره هر یک از گونه‌ها گفته آمد. **دو نکته:** ۱. مفهوم موافق آنچه در این بند (بند ۶) آمد، آن است که هر اثری با این سهم و بهره از دین و با یکی از این



ویژگی‌های چهارده‌گانه، دینی است و نمی‌توان ادعا کرد که دینی نیست.  
۲. مفهوم مخالف نوشته‌های بند ۶ آن است که هر اثری بدون حداقل یکی از این ویژگی‌های چهارده‌گانه، نشان و نشانه‌ای از دینی بودن ندارد و نمی‌توان ادعا کرد که دینی است.

## ۷. آسیب‌شناسی آفرینش تخیلی

در آفرینش تخیلی دینی، گاه حالت‌هایی پیش می‌آید که مایه دشواری‌هایی برای مخاطب خواهد شد. فهرست این حالت‌ها که می‌توان آن‌ها را پدیدآورنده نقاط ضعف یا گونه‌های ممنوع آفرینش تخیلی دینی به شمار آورد، عبارت‌اند از:

۱-۷. **درآمیختن حقیقت و خیال:** آمیزش تخیل و واقعیت در خلق آثار دینی، گاه مایه آن می‌شود که مخاطب- به ویژه مخاطب کودک یا نوجوان- مرز تخیل و واقعیت را درنیابد، تخیل را واقعیت و یا واقعیت را تخیل ببیند و از پدیدآورنده بپرسد یا به او خرده بگیرد که مثلاً درباره فلان شخصیت داستان چرا فلان اطلاعاتی را داده است که صحت ندارد؟ از جایگاه‌های بروز این مشکل، موارد زیر را می‌توان برشمرد:

الف. آفرینش‌های تخیلی که با بهره‌گیری از واقعیت، با نظم منطقی و افزوده‌های تخیلی پدید آمده‌اند (بند ۵-۶).

ب. آفرینش‌های تخیلی که با بهره‌گیری از واقعیت، نظم تخیلی و افزوده‌های منطقی پدید آمده‌اند (بند ۶-۶).  
ج. آفرینش‌های تخیلی که با بهره‌گیری از واقعیت، نظم تخیلی و افزوده‌های تخیلی پدید می‌آیند (بند ۶-۷).  
به دلیل حضور عناصر واقعی دینی در این گونه آثار، ممکن است مشکلاتی مانند واقعیت‌انگاری تخیل یا تخیل‌انگاری واقعیت، ممکن‌پنداری ناممکن یا ناممکن‌پنداری ممکن یا نمادپنداری واقعیت یا واقعیت‌پنداری نماد پیش آید. مثلاً اگر شما شخصیت‌های دینی را وارد داستانی تخیلی کنید که خود ساخته‌اید، خواننده خواهد پنداشت که چنین رخدادی در عالم واقع برای شخصیت دینی پیش آمده است.

بی‌گمان این ضعفی بزرگ برای یک اثر به حساب می‌آید که پدیدآورنده، چیزی در ذهن و نیت خود داشته باشد و مخاطب چیزی دیگر دریافت کند. در این جا- همان‌گونه که در بند ۵ گفته شد- پدیدآورنده باید به تناسب سن مخاطب خود، تمهیدی بیندیشد که این توهم یا اشتباه یا آمیزش واقعیت با تخیل از همان آغاز دیدن، شنیدن یا خواندن اثر برای مخاطب پیش نیاید و اگر راهی نیست، از این شیوه دست بکشد و چشم ببوشد. خیال‌انگاری واقعیت یا واقعیت‌پنداری خیال، یکی از بزرگ‌ترین مشکلات نگارش‌های نیمه‌تخیلی یا تخیلی است که در آن‌ها عناصری از واقعیت با عناصری از خیال آمیخته‌اند؛ و یکی از راهگشاترین و اساسی‌ترین معیارهایی است که بر اساس آن می‌توان حکم به جواز یا عدم جواز یک اثر تولیدی تخیلی یا نیمه‌تخیلی برای مخاطب- به‌ویژه کودک یا نوجوان- را صادر کرد.

۲-۷. **اطلاعات ناراست:** به هر مقدار که عناصر واقعی و آموزه‌های دینی (هست‌ها، بوده‌ها، خواهدبودها...) در آفرینش تخیلی دخالت داشته باشند، در همان بخش‌ها ضروری است که اطلاعات موجود در اثر، راست و واقعی و نتیجه پژوهش، تحقیق، استناد و داده‌هایی قابل اطمینان باشند. در هر مقدار نیز که عناصر تخیلی و افزوده‌های پدیدآورنده در اثر حضور دارد نیز صحت، درستی و روایی این اطلاعات بر اساس دیگر اطلاعات و آموزه‌های درست دینی، علمی، اخلاقی و... ضروری است.

۳-۷. **دستورهای نادرست:** به هر مقدار که اوامر و نواهی دینی (بایدها و نبایدها) در آفرینش تخیلی حضور داشته باشند، در همان بخش‌ها ضروری است که این بایدها و نبایدها از منابع و مستندات معتبر دینی استخراج شده باشند. به هر مقدار نیز که عناصر تخیلی و افزوده‌های پدیدآورنده در اثر حضور دارد نیز صحت، درستی و روایی این اوامر و نواهی بر اساس دیگر اطلاعات و آموزه‌های درست دینی، علمی، اخلاقی و... ضروری است.

۴-۷. **درخواست‌های نابه‌جا:** به هر مقدار در دعاها و نیایش‌هایی که آمیزه‌ای از استناد و ابداع‌اند، از منقولات دینی استفاده شده است، در همان بخش‌ها ضروری است که این ادعیه از منابع و مستندات معتبر دینی استخراج شده باشند. به هر مقدار نیز که افزوده‌های پدیدآورنده در دعا حضور دارد نیز صحت، درستی و روایی این درخواست‌ها بر اساس اطلاعات درست علمی، اخلاقی و عرفانی دینی به‌ویژه اطلاعات کلامی و مبانی عقیدتی ضروری است.

۵-۷. **عدم تناسب با مخاطب:** مخاطبان از سنین کودکی تا بزرگسالی، مراحل مختلفی را از درک واقعیت تا انتزاع تا تخیل طی می‌کنند. عدم شناخت درست از مخاطب و این‌که در چه مرحله‌ای از دانش، تفکر و تخیل به سر می‌برد، می‌تواند مایه بروز مشکلاتی چه در جنبه استنادی و واقعی و چه در جنبه تخیلی برای مخاطب شود و اثر را برای آن مخاطب نامناسب سازد.

## ۹. گستره نقد آثار تخیلی دینی

درباره چه آثاری می‌توان نقد دینی داشت؟ آیا می‌توان نقد دینی را تنها منحصر به آثاری کرد که پدیدآورنده آن‌ها مدعی دینی بودن آن‌اند؟ آیا هستند آثاری که ادعای غیر دینی بودن دارند، اما در حوزه نقد دینی قرار می‌گیرند؟ پاسخ چنین است:

به‌طور کلی سه دسته از آثار در گستره نقد دینی قرار

می‌گیرند:

الف. آثار دینی

ب. آثار ضد دینی

ج. آثاری غیر دینی که به حوزه‌های مشترک با دین

می‌پردازند

با تقسیم‌بندی دیگر، اگر هر یک از اینهمانی‌ها، تشابهات، ضدیت‌ها یا تناقض‌های زیر میان یک اثر مستند، تخیلی یا نیمه تخیلی، با متون دینی وجود داشته باشد، حساسیت دینی را برمی‌انگیزد و نگاه دینی به آن اثر می‌توان داشت؛ چه این نگاه در جهت تأیید باشد، چه نقد و چه نفی:

۱-۸. اینهمانی، تشابه، ضدیت یا تناقض گزاره‌ای از اثر، با گزاره‌ای دینی.

۲-۸. اینهمانی یا تشابه عنصر یا شخصیتی در اثر، با عنصر یا شخصیتی دینی.

۳-۸. اینهمانی یا تشابه رابطه‌ای از عناصر یا شخصیت‌ها در اثر با رابطه‌ای از عناصر یا شخصیت‌های دینی (کم‌ترین تشابه یا اینهمانی ساختاری).

۴-۸. اینهمانی یا تشابه حداقل بخشی از زبان اثر با زبان متون دینی.

۵-۸. اینهمانی، تشابه، ضدیت یا تناقض پیامی از اثر با پیامی دینی.

۶-۸. اینهمانی، تشابه، ضدیت یا تناقض روح اثر با روح دین.

با توجه به این، گستره نقد دینی فراخ‌تر از گستره دین است و حتی آثاری غیر دینی را نیز در بر می‌گیرد که به حوزه‌های مشترک با حوزه‌های می‌پردازند که دین در آن‌ها حرفی دارد.

## ۹. مهم‌ترین عناصر خیال‌ورزی دینی: اشاره‌های کوتاه

۱-۹. **دین‌شناسی:** مهم‌ترین عامل یا عنصر در پیدایش اثری تخیلی، پدیدآورنده اثر است. پدیدآورنده اثر تخیلی دینی، باید برخوردار از فهمی عمیق، دانشی استوار، باوری پاک، تجربه‌ای درونی و دغدغه‌های مقدس در محدوده موضوع اثر خود باشد. در این حالت است که او می‌تواند توان عظیم نهفته در پس هر یک از آموزه‌ها، موضوع‌ها، دستورها، ماجراها و پیام‌های دینی را درک کند و به دیگران انتقال دهد.

۲-۹. **نیازشناسی:** آن‌چه تعیین می‌کند از میان این همه آموزه‌ها، موضوع‌ها، دستورها، ماجراها و پیام‌های دینی، کدام را با کدام شیوه باید بازآفرینی کرد، شناخت پدیدآورنده از زمان، مکان و شرایط زندگی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مخاطب و روان‌شناسی، نیازسنجی و شناخت زبان و سطح علمی اوست.

۳-۹. **پاک‌نهادی:** پدیدآورنده - که نویسنده، شاعر، تصویرگر، فیلم‌نامه‌نویس، فیلم‌ساز یا هنرمند دیگر می‌تواند باشد - پس از این ویژگی‌ها تنها در صورتی می‌تواند اثر خلاقانه و ماندگار بیافریند که از الهام‌ها و اشراق‌های برآمده از درونی پاک برخوردار باشد.

۴-۹. **تمهد:** دغدغه اصلاح و تغییر و تعالی، اثر را هدف، انگیزه و تعهد می‌بخشد و مانع آن می‌شود که پدیدآورنده، به خلق اثری از سرِ تفنن و بی‌دردی و آفرینش کاری از مقوله هنر برای هنر یا ادبیات برای ادبیات بپردازد؛ زیرا از دیدگاه دینی، قرباتی نزدیک با مقوله‌های بیهودگی (لهو)، سخن بیهوده (لغو)، بازی نامفید (لعب) و از این قبیل خواهد داشت.

۵-۹. **مخاطب‌گرایی:** اثر تخیلی دینی، هر چند جوایزی بسیار درو کند و هر چند ستایش منتقدان را برانگیزد، همچون هر اثر دیگر، آن‌گاه اندیشمند است که استقبال مخاطبان را برانگیزد؛ برای آن‌ها، کشش، جذابیت، تأثیر و آموزندگی داشته باشد و در آن‌ها تغییر رفتار، اندیشه، نگرش و آگاهی پدید آورد. مخاطب، نخستین و آخرین داور است.

در آمیختن حقیقت و خیال:

آمیزش تخیل و واقعیت در خلق

آثار دینی، گاه مایه آن می‌شود که

مخاطب- به ویژه مخاطب کودک یا نوجوان-

مرز تخیل و واقعیت را درنیابد، تخیل را

واقعیت و یا واقعیت را تخیل بیندارد و

از پدیدآورنده بپرسد یا به او خرده بگیرد که

مثلاً درباره فلان شخصیت داستان چرا

فلان اطلاعاتی را داده است که

صحت ندارد؟